

اشاره

مقاله حاضر تلاشی است برای تبیین و تحلیل «حیات معقول» در قلمرو معرفت‌شناسی، از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری (ره) «حیات معقول»، حیات آگاهانه‌ای است که نیروها و فعالیت‌های جبری و جبرنمای زندگی، را با برخورداری از آزادی در اختیار گرفته و در مسیر هدف‌های تکاملی تنظیم می‌نماید و بدین ترتیب شخصیت انسانی، به تدریج در این گذرگاه ساخته شده و وارد هدف‌های اعلای زندگی می‌گردد که این هدف، همان شرکت در آهنگ کلی هستی وابسته به کمال برین است.

مهم‌ترین رکن حیات معقول آگاهی و شناخت است. با توجه به استنباطی که از تحلیل و تبیین معرفت‌شناختی «حیات معقول» می‌شود، ماهیت معرفت عینی - ذهنی است و معرفت دست‌یافتنی است. منابع معرفت مشتمل بر تجربه، عقل، شهود و وحی است و ابزار معرفت نیز شامل حواس پنج‌گانه و نیروهای درونی از قبیل هوش، عقل و تجسیم است. هدف نهایی تعلیم و تربیت، عبادت و بندگی خداوند و اهداف واسطه‌ای آن شامل: شناخت خویشتن و خودسازی، غلبه عقل بر هوای نفس، دستیابی به حکمت، هماهنگی عقل سلیم با وجدان واقع بین و تبدیل احساسات خام به احساسات تصعید شده می‌باشد. همچنین اصول و روش‌هایی تربیتی که از معرفت‌شناسی مبتنی بر حیات معقول استنباط می‌شود.

عناصر معرفت‌شناختی حیات معقول و دلالت‌های آن

از نگاه استاد محمدتقی جعفری

\* طیبیه داستانیپور

\*\* دکتر محسن ایمانی

از همان آغازین روزهای تاریخ انسانی، عوامل متعددی وجود داشته و متفکران و

\* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور - گروه علوم تربیتی - تهران ۴۶۹۷ - ۱۹۳۹۵ - ج. ۱. ایران.

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.



فرزانگانی بوده‌اند که تفسیر و توجیه زندگی را به مراتب بالاتر و برتر از آنکه مردم معمولی در آن غوطه‌ورند، ضروری دیده و در عملی ساختن این تفسیر و توجیه، نهایت تلاش و تکاپو را انجام داده‌اند. استاد محمدتقی جعفری (ره) یکی از صاحب‌نظرانی است که حیات انسانی را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده و با الهام از آیات کریمه قرآن و احادیث ائمه اطهار (ع) نوعی از حیات را بیان می‌دارد که با تعاریف متداول از حیات که امروزه مورد نظر فیلسوفان غرب است، اساساً تفاوت دارد. این نوع از حیات که با عنوان «حیات معقول» نام‌گذاری شده است، دارای مختصات و ویژگی‌هایی است که آن را از دیگر انواع حیات متمایز می‌کند.

از دیدگاه استاد جعفری، معرفت از جایگاه مهمی در «حیات معقول» برخوردار است. در فلسفه نیز یکی از مسائلی که مورد توجه است، معرفت است و فیلسوفان به آن توجه خاصی نشان می‌دهند. در فلسفه درباره ماهیت معرفت، امکان کسب معرفت، انواع معرفت، معنای حقیقت، رابطه معرفت با حقیقت انسان و میزان ارزش‌سنجی معرفت بحث می‌شود. رشته‌ای از فلسفه که به بررسی معرفت می‌پردازد، «معرفت‌شناسی» نام دارد و فیلسوف معرفت‌شناس به تعمق درباره ماهیت معرفت می‌پردازد.<sup>۱</sup> این مباحث به طور مستقیم با تعلیم و تربیت سر و کار دارند. تعلیم و تربیت از یادگیری جداشدنی نیست و یادگیری نیز همان کسب معرفت می‌باشد. بر این اساس مربی باید کاملاً از ماهیت معرفت آگاه باشد.<sup>۲</sup>

با نظر به اینکه استاد جعفری بر تعقل و شناخت و تکامل عقلانی و همچنین حیات مبتنی بر تعقل تأکید نموده‌اند و اساسی‌ترین رکن حیات معقول را شناخت و آگاهی دانسته‌اند و با توجه به اهمیت مسئله شناخت در تعلیم و تربیت، این پژوهش می‌کوشد در وهله نخست، به توصیف «حیات معقول» بپردازد و آنگاه معرفت‌شناسی منبعث از آن را تبیین سازد و براساس آن به تعیین اهداف، اصول و روشهای تربیتی مبادرت کند.

## الف. حیات معقول

«حیات معقول» موضوع بدیعی است که استاد جعفری با تأمل در قرآن و دیگر منابع

۱. جرج نلر، ترجمه بازرگان، آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ص ۳۳.

۲. علی شریعتمداری، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۹۲.



اسلامی به تبیین آن همت گمارده‌اند. از نظر ایشان در حیات معقول «همهٔ استعداد‌های مثبت انسان» به فعلیت می‌رسد و انسان از سعادت حقیقی برخوردار می‌شود. استاد جعفری در تعریف حیات معقول ابتدا به تبیین و توضیح «حیات طبیعی محض» که نقطهٔ مقابل حیات معقول است، می‌پردازند. ایشان می‌نویسد: «حیات طبیعی محض» نوعی زندگی حیوانی است و افرادی که در آن غوطه‌ورند، به تنازع بقا مشغول‌اند، در حیات طبیعی محض، افراد فقط به اشباع غرایز طبیعی خود می‌پردازند و حیات انسانی نیز اسیر خواسته‌های طبیعی افراد است و ابعاد مثبت وجود انسان نیز به دست فراموشی سپرده می‌شود.<sup>۱</sup> مسائلی که انسان در مسیر «تاریخ زندگی طبیعی» با آن مواجه شده است، عبارت است از: تخدیر به جای هشجاری، رخت بر بستن عشق‌های سازنده، رویاروی قرار دادن حق با قدرت، عدم شناسایی خود، گم کردن هدف و فلسفهٔ زندگی، بلاتکلیف ماندن هنر و گم شدن رسالت آن، بهره‌برداری نادرست از اصل «وسیله و هدف».

به اعتقاد استاد جعفری، مسائلی که در تاریخ زندگی طبیعی گریبانگیر نوع انسانی بوده است، در حیات معقول حل می‌شود و اما «حیات معقول» یا به تعبیری دیگر «حیات طیبه» عبارت است از:

حیات آگاهانه‌ای که نیروها و فعالیت‌های جبری و جبرنمای زندگی طبیعی را با برخورداری از رشد آزادی شکوفان در اختیار، در مسیر هدف‌های تکاملی نسبی تنظیم نموده، شخصیت انسانی را که تدریجاً در این گذرگاه ساخته می‌شود، وارد هدف‌های اعلائی زندگی می‌نماید. این هدف‌های اعلائی شرکت در آهنگ کلی هستی و ایسته به کمال برین است.<sup>۲</sup>

استاد جعفری رسیدن از «حیات طبیعی محض» به «حیات معقول» را مستلزم چندین تبدیل و تحول در انسان می‌داند که به شرح زیر می‌باشد: تبدیل «احساسات خام» به «احساسات تصعید شده»، تبدیل «جریان‌های ذهنی گسیخته» به «اندیشه‌های مربوط»، تبدیل «محبت‌های خام» به «محبت‌های معقول»، تبدیل «آرزوهای دور و دراز» به «امیدهای محرک»، تبدیل

۱. عبدالله نصری، نکاپوگر اندیشه‌ها، ص ۳۷۲.

۲. محمدتقی جعفری، فلسفهٔ دین، ص ۵۲.

«علاقه‌ها و عشق‌های صوری» به «عشق و علاقه‌های کمال بخش»، تبدیل «قناعت به مفاهیمی بی‌اساس درباره‌ی خیر و کمال» به «تلاش و تکاپو برای دریافت واقعیت خیر و کمال»، تبدیل «تقلید و پذیرش محض»، به «نظر و اندیشه و واقع‌یابی اصیل و مستقیم»، تبدیل «شطرنج بازیهای عقل نظری جزئی» به «هماهنگی عقل سلیم وجدان واقع‌بین»، تبدیل «بازی با تمایلات» به «اراده‌ی حساب شده و آزادی تصعید شده که اختیار نامیده می‌شود» تبدیل «خود را تافته‌ی جدا بافته از دیگر انسانها دیدن»، به «درک وحدت عالی انسانی و تساوی انسانها در هدف یا وسیله بودن» تبدیل «رضایت به هدف نهایی بودن منزلگه‌های زندگی» به «خود را همواره در راه دیدن»، تبدیل «آزادیهای نامعقول» به «آزادی تصعید شده».

### ب. حیات معقول و اهم مؤلفه‌های معرفت‌شناسی آن

معرفت از نظرگاه استاد جعفری، امری مهم است و شایسته است که به شناخت آن پردازیم. شناخت درباره‌ی شناخت و معرفت یافتن نسبت به معرفت را معرفت‌شناسی<sup>۱</sup> می‌گویند و چنان که قبلاً ذکر شد، شرط اساسی برای رسیدن به حیات معقول آگاهی و معرفت است. استاد جعفری در «حیات معقول» به مباحث گوناگون مربوط به معرفت و شناخت پرداخته است. همان گونه که اکثر قریب به اتفاق فلاسفه نیز به بحث در مورد مسائل اساسی معرفت‌شناسی نظیر ماهیت معرفت و حدود آن، امکان دستیابی به معرفت، اهمیت معرفت، منابع معرفت، روشهای رسیدن به معرفت و ابزار معرفت، پرداخته‌اند. امور مزبور از دیدگاه آن استاد فرهیخته نیز مغفول نمانده است که در این مقاله به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

**الف. اهمیت معرفت:** در مورد اهمیت معرفت، استاد بر این باور است که بدون تردید برای تحقق یافتن «حیات معقول» در جامعه، به وجود آمدن شناخت‌های صحیح و قابل بهره‌برداری ضروری است. در «حیات معقول»، شناخت، برای همه‌ی انسانهای جامعه چه به طور مستقیم که با ارتباط مستقیم حواس و ذهن با واقعیات امکان‌پذیر می‌گردد و چه به طور غیر مستقیم که به وسیله‌ی تعلیم و تربیتها و ارشاد و کتاب و غیر ذلک صورت می‌گیرد، بسیار با اهمیت و ضروری است. از منظر «حیات معقول» ضرورت تحصیل شناخت مخصوص به دوره‌ی خاصی

از زندگی و یا گروهی خاص و یا موقعیت معین در زندگی نبوده و برای همه دورانهای عمر و همه افراد و گروهها و موقعیتهای عمومیت دارد. از دیدگاه اسلام «حیات معقول» بدون معرفت و شناخت در حد امکان، قابل تحقق و عملی نخواهد بود.

ب. امکان دستیابی به معرفت در حیات معقول: استاد جعفری دلایل سوفسطاییان را که در مورد عدم امکان شناخت بیان می‌کنند، رد می‌کند. دیدگاه استاد با فیلسوفانی مانند نیچه - سردمدار پست مدرنیستها - که حقیقت و شناخت را نسبی می‌دانند و بر این عقیده‌اند که هر کس از هر چیزی می‌تواند برداشت متفاوتی داشته باشد، فرق می‌کند.<sup>۱</sup> ایشان شناخت واقعیاتی را امکان‌پذیر می‌داند که از طریق حس، عقل و وحی به دست می‌آید.

ج. منابع معرفت: استاد منابع معرفت را شامل: حس و تجربه، عقل، شهود و وحی می‌داند و مهم‌ترین منبع معرفت و ریشه همه دانشها را وحی می‌داند.

د. ابزار معرفت: استاد وسایل و ابزار شناخت را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. حواس: ابتدایی‌ترین وسایل شناخت حواس طبیعی انسانهاست. حواس کانالهای ارتباطی انسان با واقعیات می‌باشد.

۲. وسایل و ابزار مصنوعی: بشر برای درک واقعیات جهان هستی به ساختن ابزار و وسایلی اقدام نموده است. اختراع میکروسکوپ، تلسکوپ و صدها وسیله ظریف و عالی موجب شده است که انسان پدیده‌هایی را که با حواس طبیعی قابل ادراک نیستند، شناسایی کند.

۳. نیروها و استعدادهای درونی: استعدادها و نیروهایی نظیر هوش، عقل، اندیشه، تجسیم و غیره، از ابزارهای شناخت هستند.

از منظر استاد انواع شناخت عبارت‌اند از: شناختهای تقلیدی، حدسی، تجربی، اکتشافی، اشراقی، شناختهای عالی و وحیانی. منظور از شناختهای عالی، صرفاً نوعی فعالیتهای ماورای طبیعی در ذهن نیست که قابل تفسیر و توجیه نبوده باشند و در نتیجه کسانی که از تحصیل این شناختها محروم‌اند، آنها را طرد و انکار کنند. بلکه دارندگان این شناختها در طول تاریخ، چه در شرق و چه در غرب، افراد فراوانی هستند که نمی‌توان آنان را استثنایی و انسانهای غیر معمولی محسوب نمود. این نوع شناختها احتیاج به تصفیه‌ها و پاکسازی‌های درونی دارد،

۱. رابرت، ترجمه حنایی.



و باید دست از هواهای نفسانی و خودخواهیها برداشت تا به دستیابی چنین معرفتهای والا، توفیق یافت. شناختهای عالی از دیدگاه استاد دارای مراتب معرفت، تحیر عالی و شناخت عرفانی است.<sup>۱</sup>

آفات شناخت در حیات معقول از دیدگاه استاد عبارتاند از: تکبر و خودمحوری، انکار واقعیتها پس از شناخت آنها، جدال بیهوده اندیشه در مشیت و فعالیت خداوند، سخن گفتن از روی جهل درباره حق، فریب دادن خود با منحرف ساختن واقعیات، ارتکاب به بدیها پس از تحصیل شناخت در مورد نیکیهها و بدیها، پوشاندن حقیقت پس از شناخت آن، جدل پس از شناخت واقعیتها، از دست دادن آگاهی و هشیاری، وسوسه‌های درونی، محرومیت از شناخت خویشتن و خودسازی، گمانها و محاسبه‌های بی‌اساس، شک و تردیدهای نابجا، غفلت و تقلید و ارتجاع. ثمرات شناخت در حیات معقول، خشیت در برابر خدا، بهره‌برداری صحیح از قدرت و واقع‌گرایی است.

استاد جعفری مؤلفه‌های حیات معقول را شامل موارد ذیل می‌داند:

### ۱. آگاهی

ایشان گرفتار آمدن نوع بشر در حیات طبیعی محض را محصول ناآگاهی از اصول و ارزشهای اصیل حیات می‌داند. از این مطلب به خوبی روشن می‌شود که اصرار شدید دین اسلام درباره تحصیل آگاهی به خویشتن، برای آن است که هدف دین اسلام «حیات معقول» است و این حیات معقول بدون آگاهی قابل تحقق نیست. مسلم است که این آگاهی محصولی از تکاپوهای فکری و عقلانی در شناخت هویت و اصول و ارزشهای حیات انسانی است. لزوم آگاهی به حیات «آن چنان که هست» و حیات «آن چنان که باید باشد» متأثر از این آیه شریفه قرآن است که می‌فرماید: «لیهلك من هلك عن بينة و يحيى من حي عن بينة»<sup>۲</sup>. یعنی باید کسی که هلاک می‌شود و زندگی او تباه می‌گردد، مستند به دلیل روشن باشد و کسی که زندگی می‌کند، زندگی‌اش مستند به دلیل روشن باشد. مطابق این آیه شریفه، انسانی که نتواند به

۱. محمدتقی جعفری، فلسفه دین، ۱۳۷۴.

۲. انفال، آیه ۴۲.

حیات آگاهی داشته باشد و نتواند شایستگی حیات خود را در هر موقعیتی که قرار می‌گیرد با دلیل روشن اثبات نماید، زندگی او واجد «حیات معقول» نبوده، بلکه پدیده‌ای ناآگاه و در مجرای قوانین طبیعت و زورگوییها و زورآزماییهای همنوعان ناآگاه خود می‌باشد.<sup>۱</sup>

## ۲. تنظیم نیروها در مسیر هدفهای تکاملی

«حیات معقول» از مرحله‌ی رهایی شروع می‌شود و از آزادی عبور می‌کند و در مرحله‌ی والای اختیار شکوفا می‌شود<sup>۲</sup> و در این مرحله است که انسان می‌تواند تشخیص دهد که در چه حیطه‌هایی اختیار دارد و در چه حیطه‌هایی مجبور است و با تنظیم این جبر و اختیارها سعی می‌کند که در مسیر هدفهای تکاملی قدم بگذارد و به سوی آن حرکت کند.<sup>۳</sup>

## ۳. دستیابی به هدفهای تکاملی

یکی از مختصات «حیات معقول» دو بعدی بودن اجزای آن است: بعد «هدفی» و بعد «وسیله‌ای». هر یک از شئون «حیات معقول» در عین حالی که هدفی برای وصول به مرحله‌ی عالی‌تر است، بعد وسیله‌ای را نیز دارا می‌باشد. این ویژگی «هدفی» و «وسیله‌ای» بودن «حیات معقول» که یک پدیده، در زمان واحد می‌تواند هم به خودی خود، هدف و آرمان باشد و هم وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی والاتر، باعث می‌شود که انسان هیچ وقت احساس خلأ نکند و همیشه و در همه حال، خود و تمام اعمال و رفتارش را در مسیر تکامل ببیند. هر عمل و رفتار، هم خودش مصداق رشد و کمال است و هم وسیله‌ای برای رسیدن به رشد و کمال. در حیات معقول انسان هم کمال یافته است و هم وی در راه رسیدن به کمال تلاش می‌کند.<sup>۴</sup>

## ۴. قرار گرفتن شخصیت انسان در مسیر ساخته شدن

استاد بر این باور است که هیچ جامعه‌ای نتوانسته همه‌ی آنچه را در نهادها و استعدادها و



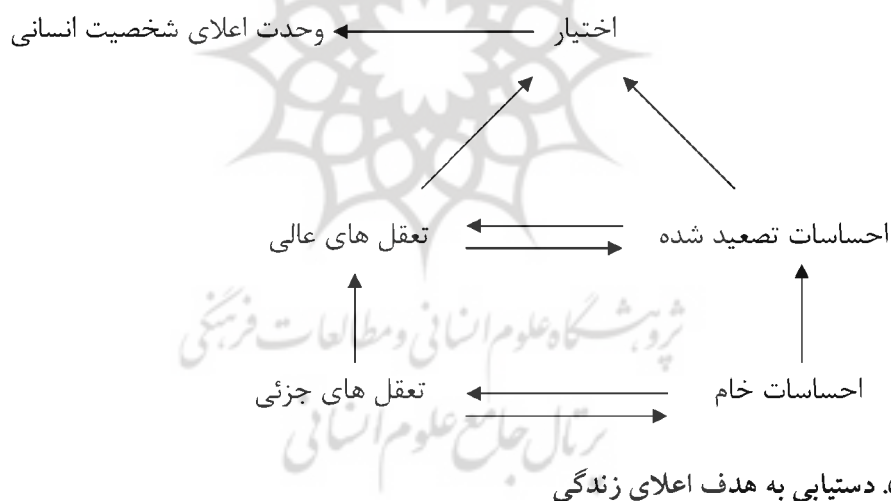
۱. جعفری، فلسفه‌دین، ص ۱۰۸.

۲. جعفری، همان، ص ۱۹۶.

۳. جعفری، همان.

۴. جعفری، همان.

خواسته‌های اصیل انسانی وجود دارد، به فعلیت برساند و در صفحات تاریخ خود ثبت نماید. اما یکی از آن نهادهای بسیار اصیل در انسان، بهتر زیستن و به فعلیت رسیدن همه استعداد‌های مثبت او می‌باشد، که تأمین‌کننده سعادت حقیقی است. با نظر به این حقیقت، باید دید کدامین زندگی است که پاسخگوی واقعی این نهاد ریشه‌دار می‌باشد. این زندگی جز با «حیات معقول» قابل تصور نیست؛ یعنی شخصیت انسانی در مسیر ساخته شدن به طور حتم باید از «حیات معقول» برخوردار شود، زیرا حیات تنها با اتصاف به «حیات معقول» می‌تواند دستور مستمر به زندگی بدهد که «به پیش». مسلم است که مقصود از حرکت به پیش، درنوردیدن امتداد زمان مجرد و فضای محض نیست، بلکه مقصود «تحول احساسات خام و ابتدایی به احساسات تصعید شده و تعقل‌های جزئی به تعقل‌های عالی‌تر» است. این دو تحول زمینه یک تحول سوم را هم آماده می‌کند که عبارت است از زمینه «اعتلای اراده رو به آزادی که تدریجاً به اختیار» مبدل می‌گردد. از دیدگاه استاد وحدت‌اعلای شخصیت انسانی بدون تحولات سه‌گانه مزبور امکان‌پذیر نخواهد بود.<sup>۱</sup>



##### ۵. دستیابی به هدف اعلای زندگی

از دیدگاه استاد «هدف اعلای زندگی» با غوطه‌ور شدن در تمایلات جبری و شبه جبری «خودطبیعی» که احساس آزادی، آنها را خوشایند جلوه می‌دهد، به دست نمی‌آید. از نظر

۱. جعفری، همان.



ایشان، وصول به هدف والای زندگی به دو مقدمه کاملاً ضروری نیازمند است: یکی استفاده منطقی از فعالیتهای عقل سلیم که با وجدان پاک و دریافتهای فطری آدمی هماهنگ می‌باشد و دوم اراده جدی به بهره‌برداری از آن فعالیتهای عقلانی که تفسیرکننده هدف اعلاى زندگی می‌باشد. از آن هنگام که انسان به آگاهی حقیقی و اراده حرکت جهت شرکت در آهنگ کلی هستی دست می‌یابد، ورود به هدف اعلاى زندگی آغاز شده است، که این امر در حیات معقول تحقق می‌پذیرد.<sup>۱</sup>

### ج. دلالت‌های تربیتی حیات معقول

در اینجا قصد داریم دلالت‌های حیات معقول را در تعلیم و تربیت تبیین نماییم که شامل اهداف، اصول و روش‌های تربیتی از منظر حیات معقول می‌باشد. علامه جعفری به عنوان انسانی متأله و فرهیخته برای تعلیم و تربیت اهمیت زیادی قائل است. تعلیم و تربیت در «حیات معقول» ضرورت حیاتی دارد، به دلیل اینکه می‌تواند انسانی را به منصف ظهور رساند که حق را از باطل تفکیک کند، زمینه‌های ارزشمند برای به فعلیت رساندن اختیار فراهم کند، احساسات خام محبت را که در نوع معتدل انسانی وجود دارد، با آماده کردن فضای خانواده و جامعه به مرحله عالی محبت معقول برساند و آن را از مجرای سوداگریهای پست نجات دهد.<sup>۲</sup> ذیلاً به بحث درباره اهداف تعلیم و تربیت که از حیات معقول استنباط شده است، می‌پردازیم.

#### ۱. اهداف تعلیم و تربیت

در تعلیم و تربیت اولین شرط هماهنگی فعالیتهای وحدت هدف و مقصد است که باید برنامه‌ها و فعالیتهای مربوط را هدایت نماید. از دیدگاه استاد جعفری:

«هدف، عبارت از آن حقیقت مطلوب است که اشتیاق وصول به آن، محرک انسان برای انجام دادن کارها و انتخاب وسیله‌هایی است که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید.»<sup>۳</sup>

۱. جعفری، همان.

۲. جعفری، همان.

۳. جعفری، همان.



اهداف تعلیم و تربیت به دو بخش غایی و واسطه‌ای تقسیم می‌شود. اهدافی که در طول و (و بالای) اهداف دیگر قرار می‌گیرد، «اهداف غایی» و اهدافی که در عرض هم واقع می‌شوند، «اهداف واسطی» محسوب می‌گردند.<sup>۱</sup>

هدف غایی تربیت در «حیات معقول» عبادت و بندگی خداوند است، هدف اعلا و نهایی زندگی، در حیات معقول، تحول و به ثمر رسیدن جوهر اعلائی حیات انسانی است، که آدمی به وسیله عبادت از ماده و مادیات آزاد و به بالا منتهی می‌شود. مقصود از عبادت که هدف غایی زندگی است، آن معنای عرفی که در ذهن مردم عادی متداول شده، نیست. معنای عبادت، عبارت است از: به ثمر رسانیدن جوهر حیات در ابعاد بسیار گوناگون و به یک معنای بسیار وسیع، از آن هنگام که انسان از تسلیم شدن به جریان طبیعی محض موجودیت خود، رها می‌شود و به مرحله آگاهی از جان که دمی از ملکوت الاهی است، می‌رسد، عبادت او آغاز می‌گردد.<sup>۲</sup>

اهداف واسطه‌ای نیز از دیدگاه آن استاد فرزانه متعدد و گوناگون است. یکی از اهداف واسطه‌ای تربیت در حیات معقول «شناخت خویشتن» است. استاد، خود انسان را به «من، با هویت خود طبیعی محض و من، با هویت خود پویا به سوی کمال»<sup>۳</sup> تقسیم کرده است. و انسان پرورش یافته در «حیات معقول» باید دارای من با هویت خود پویا به سوی کمال باشد. شرط لازم برای رسیدن به من با هویت خود پویا به سوی کمال، در درجه اول شناخت خویشتن است.<sup>۴</sup> هدف واسطی دگر «خود سازی و تهذیب نفس» است که زمینه‌ساز آن شناخت خود می‌باشد. از دیگر هدفهای تربیتی در حیات معقول «دستیابی به حکمت» است. حکمت علمی است که می‌توان به وسیله آن، هم در حیطة اندیشه و هم در حیطة عمل، به واقع و حق نایل شد.<sup>۵</sup> از دیدگاه استاد، حکمت همان شناخت اجزای عالم هستی و روابط

۱. باقری، ۱۳۷۴.

۲. چیست دین برخاستن از روی خاک تا که اگه گردد از خود جان پاک

اقبال لاهوری

۳. نک: ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۳، ص ۶-۱۹۴.

۴. جعفری، همان.

۵. باقری، ۱۳۷۴.

آنها در یک کل هماهنگ وابسته به خالق هستی است. این شناخت با عمل در مسیر تصعید تکاملی، نصیب انسان می‌گردد. کسی که از این نوع شناخت برخوردار است، همه انسانها را در مسیر حرکت به سوی خدا می‌بیند و اگر یک فرد از این مسیر دور شود، گویی خود از مسیر کمال دور شده است.<sup>۱</sup>

«غلبه عقل بر هوای نفس» یکی دیگر از هدفهای تربیتی است. از دیدگاه استاد جعفری، مادامی که کالبد مادی آدمی در راه هوس و اشباع غرایز در جنبش و فعالیت است، عقل روز به روز ضعیف‌تر می‌گردد. عقل آدمی قدرت شگرفی برای حرکت در عرصه کمالات دارد، اما در آن هنگام که دل آدمی اسیر هوئی و هوس شد، کارایی خود را از دست می‌دهد.<sup>۲</sup> غلبه عقل بر هوای نفس ضروری است و زمانی عقل می‌تواند هوئی و هوس را مهار کند که با ایمان اشباع شده باشد.<sup>۳</sup> یکی دیگر از اهداف تعلیم و تربیت در حیات معقول، انتقال متریبان از سطح احساسات خام به سوی احساسات تصعید شده است.<sup>۴</sup>

از دیگر اهداف واسطه‌ای که رسیدن به «حیات معقول» را ممکن می‌سازد، هماهنگی عقل سلیم و وجدان واقع‌بین است، دستیابی به «حیات معقول» بدون به کار انداختن عقل امکان‌پذیر نیست و بدون تهذیب روحی، عقل توان انجام هیچ کار انسانی را نخواهد داشت. اگر عقل از راهنماییهای وجدان پاک و فطرت سلیم برخوردار باشد، می‌تواند راه و مسیر رشد و کمال را به انسان نشان دهد، چرا که عقل به تنهایی نمی‌تواند موجب پیشرفت انسان در تصعید حیات تکاملی شود. عقل باید با تهذیب نفس همراه باشد تا موانعی را که سد راهش می‌باشد از میان ببرد.<sup>۵</sup>

## ۲. اصول و روشهای تعلیم و تربیت

ابتدا لازم است منظور خود را از اصول مشخص کنیم. «اصل» به معانی مختلفی به کار

۱. جعفری، ۱۳۷۸.

۲. جعفری، ۱۳۶۳.

۳. جعفری، ۱۳۶۳.

۴. جعفری، ۱۳۷۴.

۵. نصری، ۱۳۷۸.



رفته است. از نظر دکتر شریعتمداری، اصول تعلیم و تربیت «مجموعه قواعد و دستورالعملهای تربیتی است که راهنمای عمل مترّبی قرار می‌گیرند.» از این حیث، اصول ناظر به اهداف تعلیم و تربیت است که خود نشأت یافته از ویژگیهای عمومی انسان است. و اما این اصول نیز مبنای استخراج «روشهای تربیتی» محسوب می‌شوند و روشهای تربیتی عبارت‌اند از: «دستورالعملهای جزئی برای ایجاد تغییرات مطلوب».<sup>۱</sup> اصول تربیتی برگرفته از حیات معقول عبارت است از:

### اصول تربیتی طهارت قلب

استاد بر اصل طهارت قلب تأکید فراوان داشته است، زیرا قلب پایگاه نفس آدمی است و با پاکی آن، دریافتهای آدمی از حقایق خالص و خلص می‌گردد. انسان در اصطلاح عرفا در درون خود دارای جامی جهان‌بین<sup>۲</sup> است که به وسیله آن، می‌تواند تصویری از جهان عینی را در آینه درون خود شهود کند. از دیدگاه استاد، جهانی باعظمت‌تر از جهان عینی در درون انسان نهفته است. این مطلب از بیت شعری که منسوب به امیرمؤمنان(ع) است استفاده می‌شود:

اتزعم أنك جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر

«آیا گمان می‌کنی تو یک جسم کوچک هستی، در حالی که جهان بزرگ‌تری در درون تو نهفته است»<sup>۳</sup> از این مطلب می‌توان به اهمیت دادن شدید به سرمایه‌های درونی انسان و شناخت آن پی برد. از دیدگاه استاد، جامع‌ترین سرمایه انسانی، خودشناسی است، انسان آگاهی به خویشتن دارد و می‌تواند خود را متحول و دگرگون سازد و درون خود را از پلیدیها پاک کند و به طهارت قلب برسد. به منظور تحقق یافتن اصل طهارت قلب، می‌توان از روش

۱. باقری، ۱۳۷۴.

۲. حافظ نیز به قلب عارف عنوان جام جهان‌بین داده است و در غزل معروف خود چنین سروده است:

|   |                                      |
|---|--------------------------------------|
| سالها دل طلب «جام‌جم» از ما می‌کرد      | و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد |
| گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است       | طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد        |
| دیدمش خرم و خندان قدح باده به دست       | وندر آن بادیه صد گونه تماشا می‌کرد   |
| گفتم این جام جهان‌بین به تو کی داد حکیم | گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد   |

۳. جعفری، ۱۳۷۴.

تربیتی کشف و شهود استفاده کرد.

#### روش تربیتی کشف و شهود

عارفان بلندپایه در عین قبول علوم ظاهری و رسمی و اعتراف به ارزش و اعتبار عقل و اندیشه و دعوت به پرورش آنها، بر اصالت علم کشفی و لدنی و حضوری تأکید دارند و تمام قوه و اهتمام آنان به مکاشفات و مشاهدات قلبی معطوف است که سرمایه‌اش صفای دل و نورانیت جان است. انسان در صورتی که از وابستگیها و تعلقات مادی رهایی یابد، می‌تواند با قلب آگاه خویش حقایق هستی را ببیند.

از دیدگاه استاد جعفری شهود عبارت است از: ارتباط مستقیم درون با واقعیات. در یادگیری شهودی، انسان با بینایی درونی واقعیت را با روشنایی خاصی که از بینایی حسی و شناخت عقلانی قوی‌تر و روشن‌تر است، مشاهده می‌کند<sup>۱</sup> پس باید در تربیت بر طهارت قلب متریبان تأکید نمود و آنچه قلب آدمی را پاک و طاهر نگاه می‌دارد، پرهیز از گناهان و روی آوردن به تقواست. زیرا قرآن تقوا را لازمه دست یافتن به فرقان می‌داند و می‌فرماید: «ان تقوا الله يجعل لکم فرقاناً»<sup>۲</sup>.

#### اصل تربیتی تذکر

تذکر از منظر استاد جعفری به دو معناست: اول به یاد آوردن حقایق و واقعیات؛ و دوم به معنای شناخت عمومی. لذا باید در حیات معقول از جایگاه در خور توجهی برخوردار باشد، زیرا گفته‌اند انسان از نسبان است و دستخوش فراموشی می‌گردد.

اغلب انسانهایی که از خرد و هشیاری برخوردارند، حقایق اصل را به وسیله عقل و وجدان درمی‌یابند. همچنین در جریان تعلیم و تربیت، میزان قابل توجهی از حقایق اصیل برای متعلمان قابل درک می‌گردد. ولی هوس‌بازیها و خودمخوریها و غوطه خوردن در کامجوییها، آن حقایق را از صحنه آگاهی ذهن دور می‌سازد. لذا تذکر دادن دائمی به متعلمان از سوی معلمان و مربیانی که خود از ویژگیهای انسانی برخوردارند، ضروری است. استاد بر این باور

۱. جعفری، ۱۳۷۴.

۲. انفال، ۲۹.



است که بشر فراموشکار است و بیش از آنکه قربانی جهالتش باشد، قربانی فراموشکاری خویش است که از اهمیت ندادن به حقایق ناشی می‌گردد.<sup>۱</sup> روشهایی که می‌توان برای تحقق یافتن اصل تذکر به کار برد عبارت است از:

#### روش تربیتی یادآوری نعمتها

اشتغال خاطر و نسیان در آدمی موجب می‌شود که در زمان حال غرق و از گذشته خویش غافل شود. در این شیوه کوشش بر آن است که آدم با خود «روبه‌رو شود»، در کنار خود «آرام گیرد» به خود «بنگرد»، داغ نیازهایی را که بر خود داشته «ببیند» و حلاوت نعمتهایی را که به او ارزانی شده «بیابد» و به شکر «باز آید». نقطه قوتی که در این زمینه هست، همین رویارویی با خویشتن است که از آن جز با خودفریبی نمی‌توان گریخت و خود فریبی در پرتو بارقه‌های ذکر، ذوب می‌شود و دوام نمی‌بیند و آنگاه تنها یک راه گریز باز می‌ماند و آن گریختن از خود است.<sup>۲</sup> پس چون از دیدگاه استاد یکی از روشهای نجات انسانها از نسیان و فراموشکاری، یادآوری نعمتهایی است که به ایشان ارزانی شده است، تذکر دادن در خصوص نعمتها و قدردانی از آنها از شیوه‌هایی است که باید مطمح نظر معلمان باشد.

#### روش تربیتی موعظه حسنه

یکی از روشهای تربیتی که می‌توان در تربیت متربی از آن بهره گرفت روش تربیتی موعظه حسنه است. پند و موعظه هنگامی مؤثر است که موعظه کننده، خود اهل عمل باشد و نیز عمل او برخاسته از اعتقاد و التزام نسبت به حق باشد و موعظه نیز به صورتی نیکو ارائه شود. علامه نیز بر این اعتقاد است که موعظه کننده باید ایمان و اخلاص داشته باشد، از چیزی که می‌گوید آگاهی داشته باشد و عامل به آن باشد.<sup>۳</sup>

۱. جعفری، ۱۳۷۴.

۲. باقری، ۱۳۷۴.

۳. جعفری، ۱۳۸۵.

## اصل تربیتی توازن عقل و احساس

اگر بتوان برای انسان مراحل از بلوغ را تصور کرد، نخستین مرحله بلوغ، همان دوران انتقال از احساسات خام به دوران تعقل است که عبارت از: تفکرات مربوط و هدفدار در پرتو قوانین ثابت شده. جای تردید نیست که سرنوشت آینده انسانها غالباً وابسته به این تولد است که به جهت تدریجی بودن آن، تنظیم و بارور ساختن و درست به راه انداختنش، کاری بس دشوار است. یکی از نتایج بسیار ناگوار بی‌اعتنایی به حساسیت این دوران، گسیختن از احساسات و نایل نگشتن به تعقل است؛ به این معنا که انسان مورد تعلیم و تربیت، در این مرحله آگاهی تدریجی، به عدم کفایت احساسات و تأثرات عاطفی در همه ابعاد زندگی متوجه می‌شود. در این گسیختن تدریجی از احساسات، اگر تعلیم و تربیت صحیح به تقویت فعالیت‌های عقلانی فرزند نپردازد، نوعی احساس پوچی و بی‌اهمیتی نسبت به زندگی در درون او بروز می‌کند. از منظر حیات معقول در توازن عقل و احساس چند مسئله دارای اهمیت است:

بیان روشن و قانع‌کننده در تعلیم امتیازات تعقل و ضرورت مراعات احکام آن - که ارتباط انسان را با واقعیتها منطقی‌تر می‌سازد - بدون اینکه اصل و ریشه احساسات را بخشکاند - و دقت در چگونگی بیان امتیاز تعقل و ضرورت مراعات احکام آن که برای همه اشخاص و در همه شرایط یکسان نیست. گاهی و برای بعضی از اشخاص، توضیح خطاهایی که از تکیه مطلق بر احساسات کوتاهی ورزیده در فعالیت‌های تعقلی ناشی می‌شود، مؤثرتر از همه چیز است. برای بعضی دیگر، توضیح محسنات تعقل در ارتباط با واقعیات، تأثیر بیشتری دارد. در بعضی اشخاص، بیان روش عقلانی شخصیت‌های بزرگ، بسیار مؤثر واقع می‌شود. و اما به منظور تحقق یافتن اصل توازن عقل و احساس، معلمان می‌توانند روش تربیتی «پرورش هنر در پرتو احساسات تصعید شده» را به کار برند.

روش تربیتی پرورش هنر در پرتو احساسات تصعید شده و تعقل سلیم

همان طور که قبلاً ذکر شد، در «حیات معقول» احساسات خام و جزئی، به وسیله پیشرفت تعقل و اعتلای خواسته‌های جزئی و بی‌اساس به احساسات تصعید شده مبدل می‌شود. و برای تحقق حیات معقول باید هنر در پرتو احساسات تصعید شده و تعقل سلیم، پرورش یابد. از دیدگاه استاد، اگر یک هنرمند پیش از اینکه هنرمند باشد، از حیات معقول برخوردار بوده باشد،



پیش از آنکه بارقه‌های ذهنی‌اش، کشتگاه حیات جامعه را بسوزاند، واقعیات ضروری و سودمند برای مردم را هدف قرار می‌دهد و آن بارقه‌ها را در راه روشن ساختن آن واقعیات به کار می‌برد، نه در آتش زدن به کشتگاه حیات جامعه. از طرف دیگر، اگر رهبران خردمند واقعاً برای مردم جامعه خود حیات معقول را می‌خواهند، باید به وسیلهٔ تعلیم و تربیت و دیگر رسانه‌ها، هنر و نتایج آن را برای مردم قابل درک بسازند و خواسته‌های معقول و احساسات عالی آنان را تفسیر و قابل درک و پذیرش نمایند.

### اصل تربیتی استمرار یادگیری

از نظر استاد جعفری، منحصر ساختن تربیت انسان به دوران کودکی و جوانی و رها ساختن انسان، پس از این دو دوران، شبیه به پروردن نهال است تا موقعی که شکوفه برآورد و دارای برگ گردد. در صورتی که هر درختی برای بقا و ادامهٔ هستی‌اش به آبیاری دائمی و تابش اشعهٔ خورشید و مواد غذایی زمینی نیازمند است. به اضافهٔ اینکه آدمی موجودی است که با افزایش سالیان عمر، بر دقت و ظرافت و ورزیدگی اندیشه‌اش می‌افزاید.<sup>۱</sup> مبنای ضرورت استمرار تربیت و یادگیری رو به تکامل در «حیات معقول»، آن حدیث معتبری است که امام صادق(ع) می‌فرماید:

«من استوی یوماه فهو مغبون و من کان یومه شراً من امسه فهو ملعون<sup>۲</sup>  
کسی که دو روزش مساوی بوده باشد زیان کار است، و کسی که امروزش  
از دیروزش بدتر باشد ملعون است»

بر این اساس، معلم و متعلم باید همواره احساس نیاز به تعلیم و تربیت کنند و هیچ‌گاه نباید از تعلیم و تربیت مستمر خویش لحظه‌ای باز ایستند. چنان که پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند:  
«اطلبوا العلم من المهد الی اللحد<sup>۳</sup>»؛ یعنی از گهواره تا گور دانش بجویید. از دیدگاه استاد جعفری

۱. جعفری، ۱۳۷۴.

۲. ارشاد القلوب، ج ۱ ص ۷۳.

۳. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۱۷۷. فردوسی نیز ترجمان این کلام گهربار پیامبر اسلام را در بیت شعری چنین آورده است:



«بهترین استاد همواره بهترین دانشجوست.»<sup>۱</sup> بر اساس اصل استمرار یادگیری باید از روش تمرین و تکرار استفاده کرد.

روش تربیتی تمرین و تکرار

یکی از روشهای مؤثر در یادگیری مستمر، تمرین و تکرار است که موجب شکوفایی استعدادها و به فعلیت آوردن تواناییهاست. خواجه نصیرالدین طوسی در «اخلاق ناصری» بر این باور است که آدمی در زمینه تعلیم و تربیت، حرفه و فن و صنعت و اخلاق، آنگاه به مهارت و رشد و تکامل و پیشرفت می‌رسد که با درس و کار و حرفه خود انس گیرد و آن را شعار خود قرار دهد و با تمرین و تکرار و ممارست در جهت ایجاد عادات مناسب و مهارتها و در نهایت، کسب ملکات و هیأت‌های نفسانی بکوشد. از دیدگاه استاد نیز برای تثبیت ویژگیهای اخلاقی در نفس آدمی باید به تکرار زیاد افعال و رفتار اخلاقی پرداخت. زیرا چیزی که با تمرین و سخت‌کوشی به دست بیاید به راحتی از دست نخواهد رفت. پس در تعلیم و تربیت هم باید زمینه‌های لازم را برای تکرار و تمرین فراهم آورد.<sup>۲</sup>

اصل تربیتی بازگشت به حقایق فطری

استاد جعفری بر این باور است که تذکر در بعضی آیات قرآن دلیل فطری بودن حقایق سازنده انسانی است که بشر برای خود پذیرفته است. آیه‌ای که می‌فرماید: «الم اعهد الیکم بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین و ان اعبدوننی هذا صراط مستقیم»<sup>۳</sup> ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نبسته‌ام که شیطان را نپرستید، او برای شما دشمن آشکار است و مرا پرستید، این صراط مستقیم است»<sup>۴</sup> به معنای تعهد فطری است. خداوند در قرآن به

۱. جعفری، ۱۳۷۴.

۲. سعدی نیز می‌گوید:

مرا در نظامیه ادرار بود

شب و روز تلقین و تکرار بود

۳. یس، آیه ۶۰ و ۶۱

۴. جعفری، ۱۳۷۴.



پیغمبر می‌فرماید: «فذکر» (یادآوری کن)، «...انما انت مذکر لست علیهم بمصیطر<sup>۱</sup>». آیات ذکر در قرآن فراوان آمده است. حتی خود قرآن «ذکر» نام گرفته است. همچنین به خود رسول اکرم (ص) کلمه «ذکر» اطلاق شده است: «...قد انزل الله الیکم ذکراً رسولاً...<sup>۲</sup>». پس این آیات نشان می‌دهد که قرآن قائل به مسائلی است که برای آن، تذکر و یادآوری کافی است و استدلال نمی‌خواهد. یعنی «فطرت انسان» با آن آشناست.

ضرورت اصل بازگشت به حقایق فطری در حیات معقول به این دلیل است که یک سلسله گرایشها در انسان وجود دارد؛ مثل حقیقت‌خواهی، حقیقت‌جویی، دانایی و کشف حقایق که اینها فطری است و باید آنها را در فطرت انسانها جست‌وجو کرد. مقصود این است که در انسان گرایشی وجود دارد به کشف واقعیتها آن چنان که هستند و درک حقایق اشیا. از دعاهای منسوب به پیامبر اکرم (ص) است که می‌فرمود: «اللهم ارنی الاشیاء كما هی.»

اساساً آن چیزی که به نام «حکمت» و «فلسفه» نامیده می‌شود، هدفش همین رسیدن به حقایق و واقعیات است. بشر اگر به دنبال فلسفه رفته است، به دلیل همین حس حقیقت‌جویی بوده است. حقیقت یا حقیقت‌جویی از نظر فیلسوفان همان کمال نظری انسان است، و انسان بالفطره می‌خواهد کمال نظری پیدا کند؛ یعنی حقایق جهان را درک کند. در روان‌شناسی این حس را به نام «حس حقیقت‌جویی» یا «حس کاوش» مطرح می‌کنند و این همان چیزی است که حتی در کودک هم وجود دارد. مثلاً در کودک ۳ - ۲ ساله این حس به چشم می‌خورد. در تعلیم و تربیت نیز به والدین توصیه می‌شود که تا حد امکان پاسخ سوالات کودکان را بدهند و آنها را طرد نکنند.

با توجه به اینکه در حیات معقول درک حقایق و واقعیات و شناخت صحیح، اهمیت فراوان دارد و با نظر به اینکه حقیقت‌جویی گرایشی فطری در انسان است، اصل تربیتی بازگشت به حقایق فطری در حیات معقول مطرح می‌شود. برای تحقق یافتن این اصل می‌توان از روش تحریک به حقیقت‌جویی بهره برد.

۱. غاشیه، آیه ۲۱ و ۲۲.

۲. طلاق، آیه ۱۰ و ۱۱.

### روش تربیتی تحریک به حقیقت‌جویی

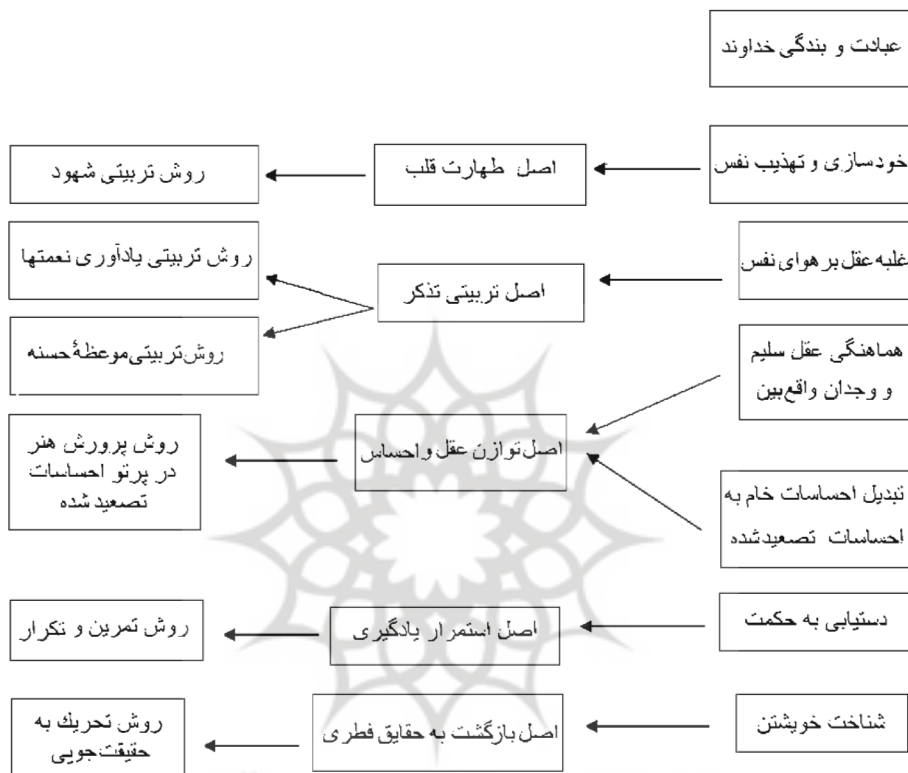
یکی از روش‌های تربیتی تحریک کردن و عادت دادن متربی به کشف حقیقت و دلیل‌جویی و مطالبه برهان درباره قضایایی است که به عنوان ابراز واقعیات مطرح می‌شود. حیات معقول شناخت خود واقعیات را توصیه می‌کند - شناخت دقیق از واقعیت را حقیقت می‌گویند - و مورد دستور قرار می‌دهد و ارزش هر شناختی را وابسته به ارزش خود آن واقعیت می‌داند، نه پدیده‌هایی که پیرامون آن را گرفته است و برای ساده‌لوحان به حساب خود واقعیت گذاشته می‌شود.

تحریک به حقیقت‌جویی با دو روش در قرآن بیان شده است: اول. مطالبه دلیل و برهان برای هر ادعایی که به عنوان ابراز واقعیت مطرح می‌گردد؛ دوم. برحذر داشتن از تقلید و وابسته ساختن شناخت به عقیده گذشتگان. پس یکی از حقایقی که باید مربی، متربیان را به سوی آن سوق دهد و هدایت کند، شناخت فطرت و حقایق فطری است.<sup>۱</sup>



۱. نک: کتاب «فطرت» استاد شهید مرتضی مطهری.

## اهداف، اصول و روشهای تعلیم و تربیت بر اساس نمودار



### جمع بندی و نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق این نتیجه حاصل می‌شود که علامه جعفری متفکری است که با نظر در آیات و روایات اسلامی، هدف نهایی زندگی را قرار گرفتن انسان در جاذبه کمال برین می‌داند و لازمه رسیدن به این هدف، دست یافتن به حیات معقول است. مؤلفه‌های حیات معقول شامل: آگاهی، تنظیم نیروها در مسیر هدفهای تکاملی عقلانی، قرار گرفتن شخصیت انسان در مسیر ساخته شدن و دستیابی به هدف اعلائی زندگی است.

به عقیده علامه، مهم‌ترین رکن حیات معقول، آگاهی و شناخت است. بر این اساس، اهمیت تبیین معرفت‌شناختی حیات معقول روشن می‌گردد. با توجه به تبیین معرفت‌شناختی حیات معقول، معرفت هم جنبه عینی دارد و هم جنبه ذهنی. یعنی هم تحت تأثیر عوامل بیرونی است و هم از ذهن و درون انسان تأثیر می‌پذیرد. زمانی معرفت درست و صحیح حاصل می‌شود که درون از هوای و هوسها پاک شده باشد.

در حیات معقول، علاوه بر معرفت‌های معمول و عادی نوع بشر (از قبیل معرفت‌های تجربی، تقلیدی، اکتشافی) سخن از معرفت‌های عالی به میان می‌آید. از جمله معرفت عرفانی و تحیر عالی. این نوع از شناختها احتیاج به تصفیه‌ها و پاکسازیهای درونی دارد و باید دست از هواهای نفسانی و خودخواهیها برداشت تا به دستیابی چنین معرفت‌های والا، توفیق یافت.

با این توصیف، هدف غایی تعلیم و تربیت در حیات معقول، عبادت و بندگی خداوند و اهداف واسطه‌ای، شناخت خویش و خودسازی، دستیابی به حکمت، غلبه عقل بر هوای نفس، تبدیل احساسات خام به احساسات تصعید شده و هماهنگی عقل سلیم با وجدان واقع‌بین، است. اصول و روشهای تربیتی، اصل طهارت قلب (روش تربیتی کشف و شهود)، اصل تذکر (روش تربیتی یادآوری نعمتها و روش موعظه حسنه)، اصل توازن عقل و احساس (روش تربیتی پرورش هنر در پرتو احساسات تصعید شده و تعقل سلیم)، اصل بازگشت به حقایق فطری (روش تربیتی تحریک به حقیقت‌جویی) و اصل استمرار یادگیری (روش تربیتی تمرین و تکرار) می‌باشد.

در تمامی این دلالت‌های تربیتی برگرفته از حیات معقول، اهمیت خردورزی و حقیقت‌جویی، غلبه عقل بر هوای نفس و تصفیه و پاکسازی درون به منظور رسیدن به شناخت صحیح به چشم می‌خورد.

